

The Effect of Non-Verbal Communication (Body Language) on Islamic Education

ARTICLE INFO

Article Type
Analytical Review

Authors
Karim Jabbari

How to cite this article

Karim Jabbari. The Effect of Non-Verbal Communication (Body Language) on Islamic Education. *Islamic Life Style*. 2021:5(1): 126-136.

ABSTRACT

Purpose: The purpose of this study was to investigate the transmission and effectiveness of educational messages through non-verbal communication in religious texts.

Materials and Methods: In this study, the teachings of the verses of the Holy Quran and the Prophetic tradition and Atrat Tahereh, which are related to the educational dimensions of body movements, have been examined in a division regarding the various dimensions of body movements. And their index examples are explained.

Findings: Due to the postures and movements of the human body, it is a complete educational medium and in addition to the complex system of verbal communication, all the movements of the human body and the conditions that it creates with its behaviors can be much more and richer. The words contain educational messages. The transmission of non-verbal educational messages has a clear impact on various aspects of social interaction and changes in moral attitudes and behaviors. Educational thoughts and goals emerge in the form of body movements, and nonverbal communication is a living and influential truth, a messenger and a very powerful factor in changing the attitudes and behaviors of others.

Conclusion: Based on the findings, the elements of metalanguage or non-verbal communication have been emphasized by religious leaders as well as psychologists and those involved in education, because it carries a very wide range of educational messages and perseverance and effectiveness increases messages.

Keywords: Education, Non-Verbal Communication, Human, Action, Body Parts

Faculty, Department of Islamic Education,
Urmia University, Urmia, Iran

* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: hamsaye8@gmail.com

Article History

Received: 2021/03/26

Accepted: 2021/05/19

ePublished: 2021/06/21

تأثیر ارتباط های غیر کلامی (زبان بدن) در تعلیم و تربیت اسلامی

کریم جباری

هیئت علمی، گروه معارف اسلامی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران

چکیده

هدف: هدف از پژوهش بررسی نحوه انتقال و تأثیرگذاری پیام های آموزشی و تربیتی از طریق ارتباط های غیر کلامی در متون دینی بوده است.

مواد و روش ها: در این پژوهش، آن دسته از آموزه های آیات قرآن کریم و سیره و سنت نبوی و عترت طاهره که ناظر به ابعاد تعلیمی و تربیتی حرکات بدن بوده، در یک تقسیم بندی ناظر به ابعاد مختلف حرکات بدن مورد بررسی قرار گرفته و نمونه های شاخص آنها تبیین شده است.

یافته ها: انسان به واسطه حالات و حرکات بدن خویش، یک رسانه تربیتی تمام عیار است و علاوه بر سیستم پیچیده ارتباطات گفتاری، تمام حرکات بدن انسان و شرایطی که او با رفتارهای خود به وجود می آورد، می تواند بسی بیشتر و غنی تر از کلمات حاوی پیام های آموزشی و تربیتی باشد. انتقال پیام های تربیتی غیر کلامی، تأثیر آشکاری بر جنبه های مختلف تعامل اجتماعی و تغییر نگرش ها و رفتارهای اخلاقی دارد. اندیشه ها و اهداف تربیتی در قالب حرکات بدن ظهور پیدا می کند و ارتباطات غیر کلامی به عنوان یک حقیقت زنده و اثرگذار، پیام رسان و عامل بسیار قدرتمندی در تغییر نگرش ها و رفتارهای دیگران است.

نتیجه گیری: بر اساس یافته ها عناصر فرازبانی یا همان ارتباطات غیر کلامی، از سوی پیشوایان دینی و نیز روان شناسان و دست اندرکاران تعلیم و تربیت، مورد تأکید قرار گرفته است، زیرا هم خود حامل پیام های تربیتی بسیار گسترده ای است و هم ماندگاری و تأثیربخشی پیام ها را بیشتر می کند.

واژگان کلیدی: تعلیم و تربیت، ارتباط غیر کلامی، انسان، عمل، اعضای بدن.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۲۹

* نویسنده مسئول: hamsaye8@gmail.com

مقدمه

انسان های اولیه بسیار بیشتر از انسان های امروزی برای انتقال پیام های خود از زبان بدن استفاده می کردند و با مرور زمان زبان به عنوان بازتاب بخش بسیار مهمی از هویت فرهنگی و اجتماعی انسان مبدل شد، در عین حال حرکات بدن نیز به عنوان مکمل و متمم پیام های زبانی و در موارد مختلف به شکل مستقل برای پیام رسانی به کار گرفته شد و تحت تأثیر فرهنگ ها و الگوهای مختلف تعلیم و تربیت تنوع و گستردگی یافت.

از دیرباز برای شناخت شخصیت انسان حرکات و اعمال او و به ویژه عکس العمل های بدنی وی را مد نظر قرار می داده اند. این ضرورت در روابط بین فردی و نیز امور حکومتی مورد توجه بود. شیوه های به کار گرفته شده به عنوان مجموعه ای از تجارب شخصی از طریق مشاهده و مقایسه بود و بعدها با حدس و گمان و قیاس نا به جا نیز آمیخته شد. در دوران معاصر به دلیل اهمیت روابط تجاری و سیاسی و از طرفی نیز رشد روش های تجربی در روانشناسی با دقت و ظرافت علمی مورد کنکاش قرار گرفته است.

عمده تحقیقات صورت گرفته در این زمینه از منظر ارتباطات و در عرصه فعالیت های تجاری یا روانشناختی محض بوده و تعلیم و تربیت به طور مستقل کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

اهمیت ارتباط غیر کلامی در تعلیم و تربیت

ما از راه ارتباط های گفتاری یا نوشتاری باید وقت و انرژی و تلاش زیادی به کار بندیم تا پیامی را به مخاطبان برسانیم و آنان را به اهمیت مطلبی آگاه سازیم، در حالی که یک رفتار ساده یا برخی ژست های بدن، دست بر شانه کسی گذاشتن، حالت خاصی در ایستادن و نشستن یا با نوع چیدمان اتاق خود و مثلاً موقعیت یک میز در دفتر کار، یا فاصله و موقعیتی که هنگام نشستن در یک جلسه یا مهمانی، نسبت به سایر افراد حاضر در آن جا انتخاب می کنیم یا نوع عطر و بویی که می زنیم و یا رنگ هایی که برای محیط کار و زندگی و وسایل مورد استفاده به کار می گیریم، پیام های موثرتر و ماندگارتری را به افراد منتقل می کنیم. حکیمان و مریبان بزرگ، از این ارتباط های غیر کلامی، هوش مندانه در جهت اهداف تربیتی، بهره گرفته اند.

ارتباطات کلامی و غیر کلامی از هم جدایی ناپذیرند و مجموعه آنها اگر به طور یکپارچه و منسجم هم پوشانی داشته باشند، پیام های ارتباطی سازنده به شکل کاملتری به دیگران انتقال می یابد.

ارتباطات غیر کلامی که حوزه وسیع «زبان بدن»، «زبان عمل» و سمبل ها را در بر می گیرد، دلالت و تأثیر تربیتی عمیق تری نسبت به اثرگذاری واژگان و تعابیر ادبی دارد. این بدان علت است که زبان بدن غالباً با دلالت طبیعی خود، بدون نیاز به مترجم و شارح، پیام های ملموس و قابل درکی برای عموم انسان ها منتقل می کند؛ اگرچه دلالت طبیعی ارتباطات غیر کلامی ممکن است به حسب اختلاف طبایع، متفاوت گردد (۱) و در مناطق مختلف با عادات و رسوم محلی و برخی امور قراردادی با سبک های مختلف زندگی ترکیب شود، ولی به دلیل ماهیت طبیعی و آسان فهم زبان بدن، این زبان، گویایی و رسایی بسیار ملموس تری نسبت به واژگان دارد.

رابطه تعلیم و تربیت با زبان بدن

۱. کنترل ارادی و جهت دهی به نمودهای زبان بدن

مطابق بسیاری از آموزه های تربیتی می باید خصلت های منفی را در درون خویش کنترل کرده، از انتقال عوارض منفی آنها به دیگران اجتناب نمود؛ اگر چه کنترل و تحول حالات درونی شرایط و مراحل پیچیده ای دارد ولی می توان با کنترل علایم خارجی جسمانی، به تدریج مقدمات غلبه روانی و معرفتی و ارادی بر حالات منفی روحی را مهیا ساخت. در تعلیم و تربیت اسلامی از این موارد فراوان می توان یاد کرد؛ نظیر ضرورت کنترل برخی از حرکات بدن که ناشی از حالات منفی است؛ مانند: کنترل درونی حسادت^۱ و بروز ندادن آثار آن به دیگران، کنترل خشم و عصبانیت و ضرورت برخورد با روی گشاده با مخاطبان (کلیه روابط بین فردی خانوادگی و اداری) و از جمله خشم نگرفتن فرزندان بر والدین یا قاضی بر متهم در حین داوری یا خشم نگرفتن استاد بر دانشجو و بالعکس؛ هم چنین ضرورت کنترل حس خودنمایی و خودخواهی و بزرگ منشی، نسبت به دیگران (به ویژه با وجود قرار گرفتن در موقعیت های برتر اجتماعی) و عدم بی تابی در برابر گرسنگی، خستگی، شیفتگی یا تمایلات جنسی در انظار عمومی (به ویژه در حین اجرای ماموریت ها و یا ایام کمبود یا ماه مبارک رمضان).

علی رغم ناممکن بودن پنهان سازی همه نشانه ها و علایم رفتاری و حرکات بدنی ناشی از حالات منفی درونی، بخش عمده ای از آنها را می توان کنترل نمود؛ در این موارد، تربیت و فرهنگ و شرایط اجتماعی و هنجارهای حاکم بر جامعه، نقش بسیار مهمی ایفا می کند.

تعلیم و تربیت در معنابخشی و کنترل و جهت دهی واکنشهای بدنی و زبان بدن بسیار اثرگذار است. در مواردی که واکنشهای بدنی به شکل ناخودآگاه ظهور می کند، در دراز مدت و تحت تاثیر تعلیم و تربیت، روان ناخودآگاه و ذهن ناهشیار می تواند القا کننده نیت خیر و درست کاری و سایر فضایل و ارزشهای والای انسانی باشد و زبان بدن را در قالب اهداف ارزشی و انسانی تحت تاثیر خود قرار دهد. چنان که در نقطه مقابل آن هنگامی که برخی از رذایل اخلاقی مانند ظاهر سازی و مکر و فریب و دروغ به شکل برنامه ریزی شده و با پنهان کاری در بخش هایی از فرهنگ اجتماعی و تربیت خانوادگی نهادینه می شود، علایم و حرکات بدن نیز تحت تاثیر آنها وضعیت متفاوت بغرنجی به خود می گیرد (۲).

۲. آموزش های مهارتی

تأثیرگذاری بر دیگران با حرکات بدن و در مسیر اهداف تربیتی مطلوب، نیازمند تربیت و مهارت آموزی است. به دلیل حاکمیت روش های تعلیم و تربیت کلیشه ای، گفتار محور، غیرفعال و غیرخلاق، بسیاری از افراد از کاربرد مهارت های زبان بدن در اثرگذاری بر دیگران بی اطلاع یا در به کارگیری مطلوب آنها مهارت کافی ندارند؛ حتی بسیاری از دست اندرکاران تعلیم و

تربیت با اکتفا به آموزش های کتبی و شفاهی در حوزه گفتاری، توانمندی های زبان بدن را به شکل نارسا و نامطلوب به کار می گیرند و در موارد بسیار پیام ها حرکات بدن با پیام های گفتاری هم خوانی ندارد و این سبب می شود که نتایج تعلیم و تربیت کارایی چندانی نداشته باشد. مسؤولیت نهادها و مؤسسات تعلیم و تربیت رسمی و غیر رسمی در این موارد بسیار گسترده است.

۳. آگاهی از تفاوت های فرهنگی

حرکات بدن از جمله حرکات دست، تحت تاثیر برخی آداب و سنن و فرایندهای فرهنگی جوامع مختلف از منظر فهم مخاطبان، معانی یکسانی ندارند؛ برخی از حرکات بدنی در یک فرهنگ معنای ادب و احترام دارند و در فرهنگ های دیگر ممکن است فاقد معنا باشند یا معنای متفاوت یا متضادی داشته باشند (۵). از این رو، آگاهی از تفاوت های فرهنگی جوامع مختلف می تواند مانع سوء تفاهم در این عرصه گردد.

جایگاه زبان بدن در تعلیم و تربیت

اگر چه در تمام موارد فرایندهای تعلیم و تربیت، این کنش ها به صورت ترکیبی از فعالیت های گفتاری و بدنی، مرکب از بازتاب معنایی حرکات اندام های مختلف اتفاق می افتد، ولی برای تحلیل دقیق تر زبان بدن، نیازمند تفکیک آثار تعلیمی و تربیتی هر یک از اندام ها به طور مجزا هستیم.

۱. چهره

صورت و چهره، ویرترین تمام نمای هویت فرد و اولین و مهمترین نمود شخصیت وی در مناسبات اجتماعی است. به تعبیر سیسرو «چهره، تصویری از روح است» (۵). چهره هر فرد مثل نمای بیرونی خانه می ماند. بیشتر چهره ها، مثل بیشتر خانه ها، به ما تصویری از اینکه انتظار داشته باشیم چه چیزی را در داخل پیدا کنیم می دهد. کلمه «سیمما» در زبان فارسی معادل روی، چهره و قیافه است (۶) ولی در زبان عربی و آیات قرآن کریم به معنای «علامت و نشانه» (۷) و «نشان و علامتی که بدان خیر و شر شناخته شود»؛ «نشان و حالتی در صورت انسان که مبین حالات درونی باشد» (۸). هنگامی که گفته می شود «علیه سیمما حسنة» یعنی نشانه زیبایی (بر صورت) او نمودار است (۹) و مقصود از «سیمماهم فی وجوههم» (فتح: ۲۹) که در قرآن آمده به معنای نشانه ها و علاماتی از معنویت است که در چهره نمایان می گردد.

وضعیت های مختلف زندگی و حالات متفاوت فرد به نوعی در سیمای وی ظهور یافته و به دیگران انعکاس می یابد. چهره انسان، دنیایی از پیام های گوناگون را در پشت خود دارد: خوش حالی و بدحالی، خیرخواهی و بدخواهی، ترس و شجاعت، افسردگی و بی حالی، اشتیاق و شادی، خشم و مهربانی و...، پیام های آشکاری است که از طریق «چهره» به ما منتقل می شود؛ هم چنین، حرکات و حالات چهره افراد می تواند منتقل کننده بسیاری از پیام های تربیتی باشد. از همین رو برای شناسایی هر کس او را «چهره نگاری»

به کار نمی بندد (و عملاً به دنبال تخریب دیگران نمی رود) (۴).

۱. «اذا حسدت فلا تبغ؛ اگر حسد ورزیدی، (خودت را کنترل کن) تا در عمل به کسی ظلم نکنی» (۳). «... الا ان المؤمن لا يستعمل حسده؛ مؤمن حسدش را

می‌کنند.

قرآن، چندین بار، افراد مختلف را از طریق صورت و چهره معرفی کرده است؛ برای نمونه می‌فرماید:

«چهره‌ها در آن روز، گشاده و نورانی است، خندان و مسرور است و صورت‌هایی در آن روز، غبارآلود و دود تاریکی آن‌ها را پوشانده است» (عبس، آیات ۳۸-۴۱).

مفهوم فوق در آیات دیگری همچون زخرف، ۱۷، آل عمران، ۱۰۶ و ۱۰۷ و حج، ۷۲ آمده است.

قرآن، نیکوکاران را از طریق چهره‌های شان این گونه معرفی می‌کند: «طراوت و نشاط فزونی نعمت را در چهره‌های شان می‌بینی.» (مطففین، ۲۴).

پی بردن به حالت‌های درونی افراد از طریق صورت و چهره، در این آیت قرآنی به زیبایی هویدا است:

«و هنگامی که به یکی از آن‌ها بشارت دهند دختر نصیب تو شده (از فرط ناراحتی) صورتش سیاه می‌شود و به شدت خشمگین می‌گردد.» (نحل، ۵۸).

این آیه نشان می‌دهد، نحوه نگرش غلط به اتفاقات خوب زندگی می‌تواند به بروز حالات نامطلوبی منجر گردد. چنان که برخی از اعراب جاهلی که به شخصیت دختران نگاهی منفی داشتند و مولود پسر را نشان قدرت و ثروت خود می‌دانستند، در مقابل بشارت تولد دختر، به جای شادمانی، چنان اندوهگین و عصبانی می‌شدند که آثار آن در چهره کاملاً نمایان است.

هم چنین، در مورد اهل باطل آمده است که اگر بر شما چهره شوند «بدخواهی و کینه‌توزی را در چهره آنان خواهید دید» (۱۰).

آثار روانی ناشی از عواطف گوناگون و اتفاقات تلخ و شیرین زندگی نیز به سهولت در چهره نمایان می‌شود. در ماجراهای واقعه عاشورا آمده است که «هنگامی که حبیب بن مظاهر به شهادت رسید، آثار شکستگی در چهره امام حسین (ع) نمایان شد» (۱۱).

بر همین اساس، زمانی که پیامبر (ص) نسبت به اختلافات یهود با مسلمین بر سر موضوع قبله نگران بود، هنگامی که نیازمندانه و متفکرانه به آسمان نظر می‌انداخت، احوال درونی آن حضرت در حالات چهره نمایان بود. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ (بقره، ۱۴۴)؛ حتماً ما بی‌تابی کردن صورت تو را به سوی آسمان می‌بینیم» (۱۲). خداوند متعال با ظهور علایم نگرانی در چهره پیامبر (ص)، به زودی فرمان تغییر قبله را صادر فرمود تا خشنودی آن حضرت حاصل گردد. (فَلَنَوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا؛ بقره، ۱۴۴).

نکته مهم تربیتی مهمی که در آیه آمده، این است که با مشاهده نشانه‌های گرفتاری و ناراحتی در چهره مراجعان مختلف از جمله دردمندان، نیازمندان و مصیبت دیدگان و به محض پی بردن به نشانه‌های معنا دار چهره، بدون این که آنان زبان به سخن گشایند و از عزت نفس خویش بکاهند، نسبت به رفع مشکل آنان همت گماریم؛ چنان که خداوند متعال با ظهور نشانه‌های ناراحتی در چهره پیامبر (ص) حاجت پیامبر را برآورده ساخت.

در امر تعلیم و تربیت نیز چهره، بسیار حایز اهمیت است؛ از این رو در فعالیت‌های آموزشی و تربیتی، حضور صدا و چهره و صورت

به طور هم زمان، تاثیرگذاری بیشتری دارد. ما اگر فقط «صدای» معلم را بشنویم و صورت او را نبینیم، تاثیر کمتری را می‌پذیریم؛ به همین علت است که یکی از آداب تعلیم و تربیت در اسلام این است که چهره معلم و استاد، به خوبی دیده شود؛ شهید ثانی می‌نویسد: «جایگاه معلم باید به گونه‌ای باشد که همه حاضران در مجلس بتوانند چهره او را ببینند و او هم بتواند، نگاه و توجه خود را به آنان معطوف سازد و چهره آنان را مشاهده کند.» (۱۳).

قرآن کریم از ظهور فضایل و رذایل اخلاقی مختلف در چهره اشخاص یاد می‌کند و می‌فرماید: «بر رخسارشان از اثر سجده نشانه‌های نورانیت پدیدار است» (فتح ۲۹). این در واقع انعکاس دینداری خالصانه و «عبادت متواضعانه و خاشعانه در چهره افراد» است (۱۴).

«به تعبیر دیگر، قیافه آنها به خوبی نشان می‌دهد که آنها انسان‌هایی خاضع در برابر خداوند و حق و قانون و عدالتند، نه تنها در صورت آنها که در تمام وجود و زندگی آنان این علامت منعکس است» البته بازتاب این آثار ملموس، تصنعی و ارادی نیست، بلکه به طور ناخودآگاه و طبیعی ظهور و بروز می‌یابد و بی تردید رفتارهای ریاکارانه و عبادات ظاهرگرایانه و بی روح نه تنها نمی‌تواند چنین آثاری را به وجود آورد، بلکه آثار متضادی پدید می‌آورد که سبب برداشت‌های مبهم و متناقض در دیگران می‌شود. هرچند، چهره، بخش مهم نمودار کننده شخصیت فرد و تابلوی حالات درونی اوست، ولی مراد از چهره (وجه)، در آیه فوق، صورت به طور خاص نیست، بلکه سراپای شخصیت فرد در ضمن تاکید به بازتاب چهره است و مقصود، ظهور آثار روانشناختی ملموس عبادت صادقانه در محیط روانی فرد و از جمله در سیمای وی است؛ زیرا همان گونه که گناه و فساد و آسیب‌های اخلاقی و اجتماعی در وضع و حال عمومی شخص اثر می‌گذارد، سلوک مؤمنانه نیز در زندگی و مناسبات اجتماعی نیز حس و حال معنوی ویژه‌ای برای شخص به وجود می‌آورد و خضوع و خشوع انسان‌های وارسته و نورانیت باطنی آنان در ارتباط دیگران با آنان نمود می‌یابد.

۲. نگاه

نگاه یکی از ابزارهای مهم در ارتباط غیرکلامی است و حامل کارکردهای بسیار متنوع و تاثیرات بسیار گسترده‌ای است؛ یکی از دلایل مهم این اثرگذاری عمیق آن است که اکثر ارتباطات گفتاری نیز با چشم و نگاه همراه است و نوع نگاه در معنادگی و جهت بخشی به پیام‌های گفتاری نقشی اساسی ایفا می‌کند؛ در نگاه‌ها رازها و معانی بسیاری نهفته است که زبان قادر به بیان آن‌ها نیست. با نگاه است که پیام‌هایی از قبیل: تشویق، توبیخ، تهدید، سؤال، تحسین، تحقیر، فرمان و امثال این‌ها، انتقال می‌یابد. نگاه به خوبی می‌تواند ویژگی‌های شخصیتی افراد را نشان دهد.

نگاه به چیزی یا کسی به ویژه با علاقه و توجه کامل به معنای اهمیت بخشیدن بدان است و بی توجهی به آن به معنای نادیده گرفتن و بی قدر دانستن آن است. از این رو طبق نقل قرآن یکی از عذاب‌های گروهی از گنهکاران در قیامت آن است که خداوند متعال به

چشمش چون کلاپسه شود (۱۷). « کلاپسه، گردیدن چشم باشد از جای خود، چنان که سیاهی چشم پنهان شود به سبب لذت بسیار و یا به جهت ضعف و سستی و یا به واسطه خشم و قهر... پیه به معنی دورنگ است و کلاغ پیه کلاغ ابلق است که ماخذ این لغت گردیده و حالت کلاپسه شدن چشم از غلبه خشم است و قهر یا کمال لذت » (۱۸).

تاکید بر کنترل نگاه ها، از آن روست که چشم ها با هم دیگر سخن می گویند و با نحوه نگاه، پیامهای مختلفی به یک دیگر ارسال می کنند و گاهی این پیام ها می تواند عامل بیداری و گسترش فضیلت و معنویت و جدیت و گاهی عامل تباهی روح و روان و فرو رفتن در باتلاق دلستگهای کاذب و ویرانگر باشد.

علی (ع) در خصوص تأثیر نگاه در ارتباط های غیر کلامی می فرماید: « الْعَيْنُ رَأْدُ الْقَلْبِ »؛ چشم، راهنما و پیشاهنگ دل است (۱۰). این سخن حکیمانه به اثرگذاری عمیق نگاهها در زمینه سازی و برشوراندن حالات روانی و پیوند وثیق و متقابل حالات روحانی با چشم ها اشاره دارد؛ چنان که «رائد» نیز در لغت به معنای پیشتاز و پیشوا و راهنمایی است که بر دیگران پیشی جوید و راههای حرکت و پیشرفت را برایشان هموار و مهیا سازد (۱۹) و آنان را از درماندگی و گرفتاری در مسیر حرکت و تعالی نجات دهد؛ نیز به معنی پیش درآمد و آگهی دهنده آمده است؛ نظیر « الْحُمَّى رَأْدُ الْمَوْتِ »؛ تب پیش درآمد و آگهی دهنده مرگ است. همان گونه که نحوه نگاه پیش درآمد حالات و انگیزش های مختلف است.

چشم با نوع نگاه خویش، روح و روان را جهت دهی و قالب بندی می کند و در عرصه های مختلف به دنبال خود می کشاند؛ مثلا نگاه منفعت جویانه یا کینه توزانه روح را به سوی سودجویی یا دشمنی می کشاند و نگاه عبرت بینانه و عارفانه به حقایق زندگی روح را به سمت نور و معنویت و چشم اندازهای وسیع و ملکوتی حیات ابدی سوق می دهد و نگاه منفی بافانه به زندگی، مایه یاس و بن بست و درماندگی می شود. علی (ع) توصیه می کند: « به اتفاقات دنیا و امور زندگی از دریچه چشم وارستگان نظر اندازید » (۲۰).

از طرف دیگر، نگاه های خیره و شیفته و متمرکز و حسرت بار بر جلوه های حیات طبیعی می تواند عامل رسوب و رکود روح و روان در لابه لای لجنزارهای زندگی باشد؛ چنان که قرآن کریم می فرماید:

« و هرگز به نعمتهای مادی، که به گروه هایی از آنان داده ایم، خیره مشو! اینها شکوفه های زندگی دنیاست؛ تا آنان را در آن بیازماییم » (طه، ۱۳۱).

از ابعاد تأثیرگذار چشم ها، می توان به این نکته اشاره کرد که چشمان، گاهی بر خلاف سایر اندام ها، جایگاه فرمانروایی به خود می گیرد. این نکته در گفتارهای روزمره نیز انعکاس دارد. چنان که گاهی هم می گوئیم: «او با نگاهش، می خواست مرا از پای در آورد»، و یا «مرا به فلان سمت و سو بکشد» یا «با نگاهش مرا آرام کرد یا به خشم آورد» و ...

نحوه نگاه ما به دیگران می تواند برای آنان امید بخش، انرژی آفرین و مشوق فعالیت های بسیار ارزشمند باشد و یا نقش بازدارنده و

آنان نظر نمی اندازد و با آنان سخن نمی گوید: « وَلَا يَكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ » (آل عمران ۷۷). مراد از عدم توجه و نظر نینفکندن خداوند بدیشان، محرومیت اینان از عنایت و محبت و احسان و مغفرت الهی است.

قرآن کریم، زمانی که وضعیت «ظالمان» را در قیامت به تصویر می کشد، به نگاه و حالت چشمان آنان اشاره می کند؛ برخی از این توصیفات عبارت است از: خیره شدن و بی حرکت ماندن چشم ها (إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ؛ ابراهیم ۴۲) و نگاه های مضطرب و نگران و وحشت زده (يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ؛ نور ۳۷) و از حرکت افتادن پلک ها (لَا يَرْتَدُّ إِلَيْهِمْ طَرْفُهُمْ؛ ابراهیم ۴۳) نگاههای ذلت بار (خُشَعًا أَبْصَارُهُمْ؛ قمر ۵۴)؛ نگاههای هراسان از زیر چشم (يَنْظُرُونَ مِنْ طَرْفٍ خَفِيٍّ؛ شوری ۴۵). هم چنین، قرآن کریم از توهین و تسمخر گناه پیشه گان نسبت به نیکان و صالحان در برخوردهای اجتماعی یاد می کند که چگونه با اشارات چشم و ابرو صورت می گیرد (وَ إِذَا مَرُوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ؛ مطففین ۳۰). «غمز» به معنای اشاره کردن با چشم و ابرو و پلک است (۱۵). این نوع منش اجتماعی، نقطه مقابل نگاه های کریمانه و سازنده توأم با ادب و احترام و ارج نهادن به شخصیت دیگران است.

هم چنین یادآوری شده که برای حفظ حرمت و کرامت شخصیت عالم و دانشمند در محافل « در حضور او با دست و چشم و ابرو اشاره نکنید » (۱۰).

به سبب تأثیرگذاری تربیتی تماس چشمی است که نگرستن محبت آمیز به اعضای خانواده توصیه و تأکید رفته است. رسول خدا (ص) فرمود: « نگاه مهرآمیز فرزند به پدر و مادر، عبادت است » (مجلسی، ۷۱، ۸۴) و متقابلاً، از نگاههای همراه با خشم و عداوت و ناراضی تخطیر داده شده است. امام صادق (ع): « از جمله نافرمانی از والدین آن است که انسان به آنان خیره نگاه کند » (۱۰).

همچنین نگاه به «قرآن» (۱۶) کعبه (۴)، شخص دانشور (۱۲)، عبادت محسوب می شود. به دلیل همین تأثیرات نگاه است که افراد وظیفه دارند که نگاه خویش را مدیریت کنند، زیرا مخاطبان، از «نگاه»، بیشتر تأثیر می پذیرند تا گفتار. در سیره رفتاری رسول خدا (ص) آمده است که ایشان به همه افراد، یکسان می نگرست و نگاه هایش را میان دوستان به طور مساوی تقسیم می کرد (۱۶).

چشم می تواند انعکاس دهنده بسیاری از فضایل اخلاقی نظیر عزم و اراده، شجاعت و صلابت، مهربانی و صمیمیت، گذشت و مدارا، و صداقت و پاک دامنی باشد. قرآن کریم به تأثیر کنترل نگاهها و نحوه نگرستن به جنس مخالف در سلامت روح و روان اشاره کرده و می فرماید:

« به مومنان بگو: چشمان خود را از نگاه به نامحرمان فرو گیرند و عفاف خود را حفظ کنند، این برای آنان پاکیزه تر است، خداوند از آنچه انجام می دهند آگاه است. و به زنان با ایمان بگو: چشمان خود را از نگاه هوس آلود فرو گیرند و دامان خویش را حفظ کنند. » (نور، ۳۰-۳۱).

مولوی نیز به تغییر حالات چشم های اشخاص هوس باز در حین هوس رانی با تعبیر « کلاپسه شدن چشم ها » اشاره می کند (گفت

گاه اتفاق می‌افتاد کسی نزد رسول خدا (ص) سخن دروغی می‌گفت؛ اما حضرت (ص) جهت حفظ آبروی آن شخص، بزرگوارانه لبخندی بر لبانشان می‌نشانند و می‌فرمودند: «او یک حرفی می‌زند». طبری نیز مشابه این روایت را از علی(ع) نقل کرده است (۲۴).

۴. انگشت

بهره گرفتن از انگشتان تاثیر به‌سزایی در جلب نظر مخاطب و تفهیم مقصود دارد و از متداول‌ترین طرق برای رساندن پیام‌های تربیتی است و مریبان بزرگ نیز از آن، به وفور بهره گرفته‌اند. البته اگر این کار با سنجیدگی و هنرنمایی انجام پذیرد و گاه با کلام و سخن، هماهنگ شود، تاثیر آن دو چندان می‌شود.

در سیره رسول خدا(ص) موارد زیادی یافت می‌شود که هنگام آموزش مفاهیم دینی و اخلاقی، از انگشتان خود، استفاده می‌کرد. آن حضرت برای نشان دادن پیوند میان دو چیز و جدایی ناپذیر بودن آن‌ها از انگشتان خود، سود می‌جست و معمولاً دو انگشت میانی و سبابه خود یا دو انگشت سبابه دستان خویش را به هم ضمیمه می‌ساخت و به حاضران، نشان می‌داد؛ مثلاً با اشاره به دو انگشت سبابه و میانی خود فرمود: «آن کس که مرا و اهل بیتم را دوست بدارد، ما و او چنین باشیم». (۲۰).

هم چنین، روزی با اشاره به دو انگشت سبابه و میانی خود فرمود: «من و سرپرست تیمم در بهشت (این گونه) کنار هم خواهیم بود» (۲۵).

وقت دیگر، دو انگشت خود را بالا گرفت و فرمود: «من دو وزنه گران بها در میان شما به جای می‌گذارم: کتاب خدا و اهل بیتم را، این دو هرگز از هم جدا نشوند تا در کنار حوض [کوثر] به من پیوندند». در این جا بود که انگشتان سبابه دو دست خود را کنار یکدیگر نهاد و فرمود: «نمی‌گویم این چنین»، سپس انگشت میانی و سبابه دست راست خود را که بلافاصله هر یک پس از دیگری است نشان داد و فرمود: «بلکه این چنین». (۲۶).

زمان دیگر، با داخل کردن انگشتان دو دست خویش در یکدیگر فرمود: «نسبت مؤمن به مؤمن، چون ساختمانی است که هر قسمت آن، قسمت دیگر را استحکام می‌بخشد». (۲۰).

در گزارشی دیگر آمده است: «رسول خدا(ص) دو انگشت سبابه و میانی خود را در هم قلاب کرد و فرمود: «کسی که سرپرستی و هزینه زندگی سه دختر و یا سه خواهر را بر عهده گیرد، من و او در بهشت چنین باشیم».

در سیره معصومین (ع) موارد کاربرد انگشتان برای تجسم بخشیدن یا توجه دادن بیشتر به چیزی و یا تاکید بر آن نمونه‌های بسیار دارد؛ از آن جمله، امام سجاد (ع) گوید از حسین (ع) شنیدم که می‌فرماید: «اگر مردی در این گوشم - اشاره به گوش راست خود کرد - مرا دشنام دهد و در دیگری از من پوزش بخواهد، پوزش او را می‌پذیرم؛ چرا که امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (ع) برایم نقل

(ص) نشاط خود را از دست نمی‌دادند و این امر در چهره خندان یاران پیامبر هم انعکاس می‌یافت.

بغرنج و فرساینده ای پیدا کند؛ چنان که قرآن کریم به نقش نگاه‌های همراه با عداوت و نفرت مشرکین در برابر حرکت‌های سازنده و ماندگار پیامبر اکرم(ص) اشاره نموده می‌فرماید: «نزدیک است که کافران با نگاههای (مسموم) خود، تو را از پای درآورند» (قلم ۵۱). در واقع اگر مخاطب دارای اعتماد به نفس و اندیشه والا و ایمان راستین نباشد، نگاههای ناخوشایند و آزاردهنده دیگران می‌تواند سبب لغزش و تزلزل یا وقفه و رکود و چه بسا بیماری و گرفتاری شدید گردد. چنان که در تفسیر عبارت «لِيُزَلُّونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ» گفته‌اند: «یعنی با چشمشان و نگاهشان تو را به زمین بکوبند و هلاک کنند» (۲۱). ریشه «زلق» به معنای «لغزاندن» آمده است؛ حاکی از این که نگاههایی می‌توانند در دیگران لغزش ایجاد کنند در برابر نحوه نگاه‌های دیگری که می‌تواند سبب ثبات و استحکام مخاطب می‌شود.

مدیریت مثبت چشم، بخش مهمی از تربیت آدمی است که رفتارهای او را شکل می‌دهد و در ارتباط اجتماعی و در عرصه تربیت، بسیار موثر است، زیرا هیجان‌ها و احساسات روانی را به آسانی و بدون کلام و گفتار، منتقل می‌کند.

۳. لبخند

لبخند علاوه بر انعکاس حالت نشاط و شادی درونی و سرزندگی، می‌تواند نمایانگر پیام توهین و تمسخر، بیهودگی یا نهایت درد و ناراحتی باشد، هم چنین، لبخند، پیام‌های مختلف اخلاقی و تربیتی را به مخاطبان القا می‌کند یا زمینه ساز و مکمل اثرگذاری این پیام‌ها است.

استادان و مریبان و شخصیت‌های مشهور جامعه حتی اگر دارای جایگاه بسیار برجسته و شاخصی باشند، داشتن چهره خندان یا عبوس و اخم کرده، تاثیر بسیار متفاوتی در نگرش مخاطبان نسبت به محتوای مباحث علمی و تربیتی آنان و نیز تمایل به تداوم ارتباط با آنان دارد. از طرف دیگر، اولین زمینه‌های شروع ارتباط در تعلیم و تربیت بسیار مهم است و برای برقراری ارتباط اثرگذار با مخاطبان، داشتن چهره شاداب و بانشاط و همراه با تبسم، نقش مهمی ایفا می‌کند. از این رو، «رسول خدا(ص) هرگاه لب به سخن می‌گشود، با لبخند همراه بود» (مکارم الأخلاق، ۴۶).

امام باقر(ع) فرمود: «عیسی (ع) هم می‌گریست و هم می‌خندید، یحیی (ع) می‌گریست ولی نمی‌خندید و روش عیسی بهتر بود». (۱۶، ۲۰ و ۲۲). هم چنین با این که پیامبر اکرم(ص) از گرفتارترین افراد بود و فشارهای روانی بسیاری به آن حضرت تحمیل می‌شد^۱، ولی با قدرت روانی و سعه صدر بالای آن حضرت، چهره وی «در جمع یارانش از همه متبسم تر و خندان تر بود» (۲۳).

امام باقر(ع) فرمود: «چهره شاد و روی باز، وسیله جلب محبت و مایه تقرب به خداست و ترشروی و گرفتگی چهره، سبب جلب دشمنی و مایه دوری از خداست» (۱۰).

۱. در برخی منابع آمده است: «لقد كان النبي صلى الله عليه وسلم أثقل الناس همًا، لكنه كان أكثرهم تبسُّمًا». تعبیر «أثقل الناس همًا» در این روایات دال بر این نکته است که علی رغم گرفتاری‌ها و مشکلات حاد زندگی، پیامبر اکرم

بالاخره راه حرف زدن را بر روی ایشان بستند... کنایه است از اینکه ایشان را مجبور به سکوت و نگفتن حق می کردند، گویا دست انبیاء را می گرفتند و بر دهانهایشان می گذاشتند و به این وسیله اعلام می کردند که باید از سخن حق، صرف نظر کنند».

در قرآن کریم در ماجرای تولد شگفت آسای حضرت عیسی آمده است: در حالی که حضرت مریم روزه سکوت گرفته بود، در پاسخ به سوال معترضان بدگمان به وی که این نوزاد تازه متولد شده کیست و از کجا آمده است، بی آن که سخنی بگوید با دست به حضرت عیسی که در گهواره بود اشاره نمود (فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ؛ مریم؛ ۲۹). نمونه دیگر، اشاره قرآن کریم به دست به دندان گزیدن ظالمان در روز رستاخیز است که حاکی از دریغ و افسوس خوردن و اظهار پشیمانی آنان است (وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا؛ فرقان؛ ۲۷).

۶. شیوه راه رفتن

شیوه راه رفتن هر کس انعکاس دهنده بخش مهمی از ویژگی های شخصیتی او بوده و پیام های متعددی در بر دارد و از این رو از عناصر تربیتی محسوب می شود. برای مثال، فراگیران از حرکات معلم در کلاس درس و نحوه راه رفتن وی تقلید می کنند؛ هم چنین سبک گام برداشتن چهره های برجسته سینمایی، ورزشی و «سلبریتی ها» و مشاهیر علمی و دینی بر مخاطبان آنان تأثیر می گذارد. قرآن کریم بارها از قدم برداشتن پیامبران در بازار و میان مردم یاد کرده است (يَمْشُونَ فِي الْأَسْوَاقِ؛ فرقان؛ ۲۰). این اشاره علاوه بر پاسخ به برخی شبهات کلامی، نشان از همراهی و هم زیستی اولیای الهی در میان مردم و سهولت تعامل متقابل قشرهای مختلف با آنان و حاکی از تأثیر سبک حرکت و گام برداشتن اولیای الهی و تأثیرات آموزنده آن بر دیگران نیز هست.

سبک راه رفتن می تواند حاکی از اعتدال (وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ؛ لقمان؛ ۱۹)، متانت و اعتماد به نفس (يَمْشُونَ مُطْمَئِنِّينَ؛ اسراء، ۹۵) و آرامش (عِبَادَ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا؛ فرقان، ۶۳) و یا نشان از اضطراب و آشفتگی و شتاب زدگی باشد. هم چنین، می تواند نشان حجب و حیا و عفاف (فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ؛ قصص، ۲۵) یا حاکی از ول انگاری های اخلاقی باشد. هم چنین سبک راه رفتن افراد می تواند نشان جدیت و اهل کار و تلاش بودن و سخت کوشی و سرعت عمل در مسؤولیتهای زندگی آنان باشد (وَجَاءَ مِنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى؛ یس، ۲۰) و یا نشان بی مسؤولیتی و سردرگمی و لاابالی گری.

«رسول خدا (ص) در موقع راه رفتن چنان راه می رفت که معلوم بود به سبک راه رفتن شخص ناتوان یا تنبل نیست». (مکارم الاخلاق، ۵۲). هم چنین آن حضرت فرمود: «تند راه رفتن، هیبت مؤمن را از بین می برد» (۳).

شپید ثانی می گوید: «حرکت ها و نشستن های مربی و استاد برای شاگرد و اطرافیان، بسیار آموزنده است؛ به گونه ای که اثر آن، ده ها برابر بیشتر از کتاب و درس است. معلم از هر نوع نشستگی که زنده و ناخوشایند باشد، بپرهیزد و با متانت، آرامش، تواضع، نرم خویی و افتداری باشد» (۱۳).

کرد که از جدم رسول خدا (ص) شنید که می فرماید: بر حوض کوثر وارد نمی شود کسی که عذر را - موجه باشد یا غیر موجه - نپذیرد» (۱۰).

۵. دست

استفاده از دست هم یکی از شیوه های ارتباط غیر کلامی است که در پیام رسانی و نیز امر تعلیم و تربیت، بسیار کارگشا و موثر است. علاوه بر این، «دست» در انتقال عواطف و احساسات، نقش مهمی دارد. حالات و اشارات دست یا «دست گفتار» می تواند بی کلام بسیاری از مقاصد و حالات درونی انسان را به خوبی بیان نماید. هر چند آیه شریفه «وَتَكَلَّمْنَا أَيُّدِيَهُمْ» (یس، ۶۵) در باب سخن گفتن غیر ارادی دست ها در حضور خداوند و شهادت به عملکردها در روز رستاخیز است ولی در دنیا نیز زبان دست ها هم چنان گویا و رساست و این در حقیقت لازمه همسانی عمل و جزا و تجسم زبان عینی اعمال دست ها و دستاوردهای دنیوی در فضای ابدیت نیز هست.

حرکات دست ضمن اشاره حسی به اشیا و افراد و جهات مختلف، گاهی در فرایند تعلیم و تربیت به طور ناخودآگاه چنان با ریتم خاصی به حرکت در می آید که نوعی پویانمایی و هنر نمایشی به نظر می رسد و در تجسم بخشی به معانی و مفاهیم نقش اساسی دارد. حرکت دستها علاوه بر این که مکمل اساسی فن سخنوری است، بدون کاربرد مطلوب آن فرایند تعلیم و تربیت دچار اخلال و وقفه خواهد بود.

حرکات و اشارات دست و اشکال مختلفی که با تغییر حالت دست به وجود می آید، احساسات و معانی مختلفی را به مخاطبان منتقل می کند؛ نظیر: ممانعت و مخالفت یا تایید و پذیرش و حمایت از نظر یا عمل مخاطب، شور و شوق، قدرت نمایی، موفقیت و پیروزی، بی علافگی، بی حالی و افسردگی، نا امید و نفرت، تکریم یا توهین و تحقیر، القای اعتماد یا بی اعتمادی، عصیان و اعتراض یا تسلیم و شکست، نیازمندی یا استغنا، صداقت و دروغ پردازی. در گفت و شنودها، قرار دادن دست بر روی لب ها می تواند مایه سوء تفاهم گردد و یا نشانگر خستگی، پنهان کاری، شک و تردید یا دقت یا تعجب و اعتراض باشد.

در آیه شریفه «فَرَدُّوا أَيُّدِيَهُمْ فِي أَفْوَاهِهِمْ» (ابراهیم ۹) به عنوان عکس العمل کفار در برابر رسالت انبیاء و معجزات آنان، از «دست بر دهان بردن آنان» یاد کرده است، که نشانگر مخالفت و حرکت اعتراضی است و مترجمان نیز آن را به معنای تعجب و استهزا (مکارم شیرازی)، اعتراض (فولادوند)، تعجب و خشم (قمشه ای)، اعتراض، استهزا، تحقیر کردن و پاسخ ندادن به دعوت پیامبران (انصاریان)، حرکت دستوری به انبیاء «که خاموش!» (خرمشاهی) دانسته اند.

خرم دل نیز با توجه به تفاوت دو مرجع ضمیر (هم) طبق نظر برخی مفسران، در ترجمه تفسیری خود آورده است: «دستهای شان را بر دهان های پیغمبران گذاشتند و از تبلیغ آنان جلوگیری نمودند و سد راه رسالت آسمانی و دشمن دعوت الهی شدند». علامه طباطبایی هر دو ضمیر «ایدیهیم» و «افواههم» را ناظر به پیامبران دانسته، گوید: «مردم مانع آن شدند که پیامبران لب به کلمه حقی بگشایند و

۸. سکوت

منظور از سکوت در این جا مهارت به کارگیری سکوت هنرمندانه و اثرگذار در مخاطب است. ادامه ندادن به صحبت و قطع کردن سلسله سخن و سخن نگفتن در جایی که انتظار تداوم گفتار می رود، یکی دیگر از شیوه‌های ارتباط غیر کلامی است، که اگر، هوش مندانه و سنجیده و در زمان معین صورت گیرد، آموزه‌های پر فایده‌ای را به مخاطب، انتقال می‌دهد. علاوه بر این که عادت به سکوت برای خود فرد نیز بسیار ثمربخش است. در اسلام، یکی از بهترین عبادت‌ها «سکوت» است. علی (ع) فرمود:

برترین عبادت، شکیبایی و سکوت و انتظار کشیدن برای گشایش مشکل است. (۲۰)

منشأ بسیاری از مفاسد مانند غیبت، دروغ، ناسزا و دیگر زشتی‌ها زبان است، لذا با سکوت، درهای پلیدی‌ها بر روی افراد بسته می‌شود و خوبی‌ها به انسان، رو می‌کند، امام رضا(ع) فرمود:

خاموشی دری از درهای حکمت و منبع دوستی و نشانه هر خوبی است. (۱۶).

سکوت در حال خشم زمینه ساز کنترل نیکوی رفتار و پیش‌گیری از قضاوت‌ها و تصمیمات پرخطر و خسارت بار است. در دنیای مدرن نیز صاحب نظران تعلیم و تربیت بر ارزش سکوت، تاکید فراوان دارند، ایوا ایلچ، صاحب نظر در حوزه تربیت می‌نویسد: «به وسیله سکوت، انسان‌ها چیزهای بیشتری به یکدیگر منتقل می‌کنند تا با کلام و سخن». (۵). این نظرات علمی در واقع تبیین آن دسته از آموزه‌های دینی است که می‌گوید: «چه بسا سخنی که پاسخ سکوت است» (نهج البلاغه، ح ۲۱۱) و «چه بسا در مواردی، سکوت، رساتر از سخنوری باشد» (۲۸).

روشن است که منظور از خاموشی، «سکوت مطلق» نیست، زیرا عادت به سکوت دائمی نیز زبان بار و حاکی از مشکلات روانی است. اسلام، دین اعتدال است و به انسان می‌آموزد که مرز سخن و سکوت را بشناسد و از آن‌ها، هنرمندانه استفاده کند.

معانی تربیتی غیر کلامی سکوت متناسب با انواع مناسبات اجتماعی بسیار متفاوت است؛ مثلاً سکوت ناگهانی یک سخنران وسط سخنرانی و ادامه ندادن به صحبت می‌تواند نوعی آزردهی خاطر یا اعتراض به مستمعین باشد. ساکت ماندن و اظهار نظر نکردن استاد یا مربی، پس از صحبت طولانی دانشجو و انتظار تایید و حمایت وی، به معنای نامقبول بودن سخنان وی است. سکوت شخص در برابر بی ادبی و اهانت مخاطب تاثیر تربیتی بسیار بیشتری دارد تا پاسخ دادن به وی؛ به ویژه اگر طرفین در حال بحث و مناظره علمی باشند. سکوت مستمعین همراه با چهره‌ای علاقه مند و نگاه متمرکز آنان به طرف گوینده به معنای تایید و تشویق و حمایت اوست؛ چنان که در متون دینی از مستمعان به عنوان شریک و سهیم سخنوران (۲۸) و یا پرستشگر آنان یاد شده است (۱۶). سکوت همراه با چهره‌ای ناراحت و برافروخته در برابر گوینده به معنای اعتراض و انکار سخنان اوست (نظیر سکوت محکوم بی گناه). سکوت علمای برجسته در محضر یک دیگر به هنگامی که کسی از جمع آنان سؤالی مطرح می‌کند، نشانه تواضع در برابر سایر بزرگان است. سکوت همراه با سر تکان دادن در حال سخن گفت مخاطب یا انجام

حرکات انسان‌های متعادل و متین در حین گام زدن، درس آموز است و برعکس، حرکات‌های بدنی، متکبران، پیام‌های منفی را منتقل می‌کند. ردایل اخلاقی افراد در سبک راه رفتن آنان، نمودار می‌شود. قرآن کریم در مذمت حرکات و نحوه راه رفتن به اهداف ضد تربیتی می‌فرماید:

«و روی زمین با تکبر، راه مرو، تو نمی‌توانی زمین را بشکافی و طول قامتت، هرگز به کوه‌ها نمی‌رسد». (اسراء، ۳۷).

کلمه «مرح» در این آیه (وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا) به معنای بسیار خوش حالی کردن به بیهودگی است. این آیه انسان را از این شیوه راه رفتن، نهی کرده است، زیرا به سبب غرور و تکبر، گاهی انسان خود را بیش از آنچه هست بزرگ می‌انگارد. (۱۴).

پیامبر (ص) فرمود: «دیوانه واقعی کسی است که متکبرانه، گام برمی‌دارد و همواره به پهلوهای خود نگاه می‌کند و پهلوهای خود را به همراه شانه‌ها تکان می‌دهد». (۲۰).

۷. ابعاد غیر کلامی سخن

ارتباط کلامی به طور خاص به تاثیرگذاری واژگان و معانی مربوط به آنها باز می‌گردد، ولی صرف نظر از لغات و معانی، ابعاد ارتباط غیر کلامی مندرج در حواشی کلام بسیار است و هر یک مشتمل بر آثار تعلیمی و تربیتی متفاوتی است. گفتار دارای عناصر غیر کلامی و فرازبانی (Paralanguage) بسیاری است؛ نظیر: کیفیت صدا، احساسات ضمن صحبت کردن (شادی، غم، استرس و ...)، سبک گفتاری و ریتم و آهنگ و تکیه گاه‌های آوایی سخنان. در آثار نوشتاری نیز عناصر غیر کلامی مانند شیوه دست خط و نحوه چینش و آرایش کلمات و نظم معنایی واژگان و استفاده از طرحواره برای انتقال عبارات احساسی به صورت تصویری است.

لحن گویش و طرز مکالمات یک شخص بخشی از هویت او و معرف شخصیت خاص اوست و با این مشخصه معین نیز می‌توان افراد مختلف را از هم بازشناخت. از این رو، صرف نظر از فرهنگ‌های متفاوت افراد، کلمات و حرکات هر شخص چنان با هماهنگی هم ظهور می‌یابد که یک فرد با تجربه و آموزش دیده می‌تواند با گوش دادن به صدای یک نفر بگوید که او چه حرکتی را انجام می‌دهد و چه مقصودی دارد. حتی کسانی که به یک فیلم با زبان بیگانه نگاه می‌کنند، با این که شاید معنای هیچ یک از واژگان را درک نکنند، ولی تنها با گوش دادن به لحن و آهنگ حرف زدن افراد مطالب زیادی را استنباط می‌کنند.

قرآن کریم نیز درباره نشانه‌های افراد چند شخصیتی و ریاکار که می‌خواهند چهره واقعی خود را مکتوم نگاه دارند، می‌فرماید می‌توان علاوه بر حالات خاص چهره از تن صدا و آهنگ گفتار نیز شناسایی کرد (فَلَعَرَفْتَهُمْ بِسِيمَاهُمْ وَتَتَرَقَّتْهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ؛ محمد ۳۰) (۲۷).

فضایل و ردایل مختلف اخلاقی در ارتباطات غیر کلامی مربوط به سخن گفتن نیز بروز می‌کند؛ قرآن کریم در مورد زبان بدنی مخالفین اسلام می‌گوید: «(نشانه‌های) دشمنی از دهان (و کلام) شان آشکار شده؛ و آنچه در دل‌هایشان پنهان می‌دارند، از آن مهمتر است» (آل عمران ۱۱۸)

پاکیزگی نیز گذشته از تأثیر بسزایی که در سلامت شخصی و اجتماعی انسان دارد، موجب دلپذیری و جلب نظر بینندگان می‌شود. کسی که می‌خواهد دیگران را با عملش به ارزش‌های الهی فراخواند و در هدایت و تربیت آنان سهیم باشد باید در حد امکان به پاکی و آراستگی ظاهری خود اهمیت دهد. روان‌شناسان اجتماعی این امر را عامل موثری در کارایی پیام‌دهی می‌دانند.

آراستن به معنای زینت دادن و تزیین کردن و همچنین به معنای منظم و مرتب بودن، هماهنگ بودن و آماده و مهیا بودن نیز آمده است (۴۰).

امام صادق (ع) به یکی از یارانش فرمود: « نزد خدا، نمایان کردن نعمت، از نگه داشتن آن محبوب تر است. پس مبدا که جز در بهترین شکل مورد پسند قوم خود بیرون بیایی» (۱۶).

نیز فرمود: « خداوند متعال، زیبایی و خودآرایی را دوست دارد و خود را ژولیده نشان دادن و گدامنشی را مبغوض می‌دارد. هر گاه خداوند به بنده‌ای نعمتی بدهد، دوست دارد اثر آن را در او ببیند. عرض شد: چگونه؟ فرمود: لباس تمیز بپوشد، از بوی خوش استفاده کند، خانه‌اش را گچکاری کند، آلودگی‌های منزل خود را برود و از بین ببرد (۱۰، ۲۰).

پیشوایان معصوم (ع) همواره سفارش می‌کردند که آراستگی ظاهری، باعث خشنودی خداوند متعال می‌شود. پیام آشکار قرآن این است که هنگام رفتن به مسجد، آراسته باشید: « به هنگام رفتن به مسجد، زینت خویش را با خود بردارید» (اعراف، ۳۱).

در بسیاری از محیطها و خصوصا در محیط‌های آموزشی و مدارس، توجه به آراستگیهای ظاهری از عوامل مهم در نشاط آفرینی است. در این میان، توجه به وضعیت ظاهری معلمان و عوامل اجرایی مدرسه از نظر روان‌شناسان اجتماعی عامل مهمی در کارایی پیام‌دهی در محیط‌های آموزشی است. یکی از ویژگیهای معلم جذاب این است که خوش ظاهر و خوش لباس باشد و البته به گونه‌ای خود را نیاراید که جلب توجه کند؛ در مقابل از ویژگی‌های معلم بی‌جاذبه این است که در وضع ظاهری خود تقیصی دارد. مثال لباس زنده می‌پوشد. چگونه معلم می‌تواند تأکید دین بر پاکی و طهارت را گوشزد کند، اما خود به لحاظ ظاهری، ناآراسته و ژولیده پوش باشد! همانطور که آراستگی باطنی معلم می‌تواند در جذب دانش‌آموزان تأثیرگذار باشد، آراستگی ظاهری نیز بر جلب توجه فراگیرنده خواهد افزود. (۳۴).

بعضی تصور می‌کنند، همین که انسان ایمان محکم و باطنی پاک داشته باشد، کافی است و ظاهر قیافه و نوع پوشش و سبک رفتار هرگونه باشد، جای هیچ نوع نقد و ایراد نیست و به پندار خود زمزمه می‌کنند که:

مرد سیرت را به صورت کار نیست
جامه گر صد وصله باشد عار نیست
صورت زیبا نمی‌آید به کار
حرفی از معنی اگر داری بیار

چنین برداشت نادرست از مفهوم ساده زیستی و زهد و بی‌اعتنایی به زخارف دنیوی، از منظر بزرگان دین و سبک زندگی معقول و متعادل اسلامی قابل قبول نیست، بلکه بر عکس، بخشی از برنامه‌ها

کاری توسط او، به معنای تردید و تعجب یا انتقاد و غیرقابل قبول بودن سخن یا رفتار مربوطه است. سکوت ناخواسته و طولانی می‌تواند نشانه سردی روابط و قهر و خشم و کینه‌های پنهانی و حاکی از اعتراض شدید باشد. قطع کردن گفت و گو و نداشتن ارتباط کلامی بیش از چند روز مخصوصا در روابط زناشویی نوعی تنبیه مخاطب و انتقام از اوست. در موارد متعدد افراد به جای حل مشکلات مربوط به روابط بین فردی به سکوت پناه می‌برند.

برخی از آثار مختلف تربیتی سکوت حکیمانه و معانی بسیار متفاوت و عمیق آن را می‌توان در وصف سکوت پیامبر (ص) نمایان دید. امام حسین (ع) فرمود:

« در مورد سکوت رسول خدا (ص) سؤال نمودم. پدرم، امیرالمومنین (ع) فرمودند: « پیامبر در سکوت خویش یکی از چهار حالت را داشت: ۱. بردبار، ۲. هشیار و محتاط، ۳. اندازه نگه داشتن، ۴. تفکر؛ اما اندازه نگه داری اش در این بود که توجه و نگاه‌های خود را به همه‌ی مجلسیان یکسان تقسیم می‌کرد، و هم چنین در گوش دادن به سخنان ایشان علی‌السویه بود و اما تفکر او درباره‌ی جهان فانی و عالم باقی بود، و حلم و بردباری بر او جمع آمده بود، که نه چیزی او را خشمگین می‌نمود، و نه او را از جای در می‌برد. هشیار و احتیاط او در چهار چیز برای او جمع شده بود: دنبال کردن کارهای نیک، تا دیگران به او اقتدا کنند، و ترک زشتی‌ها تا دیگران آنها را ترک نمایند، کوشش در کارهایی که موجب اصلاح امت بود، و اقدام بر آنچه که خیر دنیا و آخرت آنان را فراهم می‌آورد. (۲۹).

۹. بویها

«بو»ها نیز زبان دارند و به صورت غیرکلامی با افراد گفت‌وگو می‌کنند و می‌توانند به طور ناخودآگاه، نفرت انگیز یا جذاب باشند. از منظر روانشناسی اجتماعی: «انسان در واقع همان بویی هستند که افراد از آنها استشمام می‌کنند، اگر فردی بوی خوبی بدهد، دیگران او را فرد خوبی تلقی خواهند کرد و برعکس، اگر از فردی بوی نامطبوعی به مشام برسد، صرف نظر از این که چه می‌گوید به سخنان او، واکنش خوبی نخواهیم داشت. (۳۰).

بویهای خوشی که افراد مختلف پیرامون ما استفاده می‌کنند، زمینه ساز نگرش مثبت ما به شخصیت آنان است و معمولا با همین رایحه‌های خاطرات آنان درآذهان دیگران بازخوانی می‌شود. از این رو، بخش مهمی از نگرش خوب سیره معصومان این بود که همواره از بویهای خوش استفاده می‌کردند، امام رضا (ع) فرمود: « استفاده از بوی خوش، جزو اخلاق و روش انبیاست». (۱۶) امام صادق (ع) فرمود: « رسول خدا برای بوی خوش، بیشتر از خوراک خرج می‌کرد» (۴). «محبوب‌ترین چیز نزد پیامبر (ص) عطر بود و به آن تمایل زیادی داشت» (۳۱) و به حدی از عطر استفاده می‌کرد که رنگ محاسن و موی سر ایشان به رنگ زرد تغییر می‌یافت (۳۲)

۱۰. آراستگی و پاکیزگی ظاهر

آراستگی ظاهری انسان، از پیام‌رسان‌های غیرکلامی است و عامل مهمی در زمینه‌سازی برای مقبولیت بیشتر آموزه‌های تربیتی دارد.

نتیجه گیری

۱. نوع نگاه، وضع چهره، دست‌ها و انگشت‌ها، نحوه راه رفتن، سکوت، دست دادن، رنگ‌ها و بوها، وضع ظاهری و نظافت، نحوه چیدمان وسایل منزل بسیار بیشتر از حد تصور می‌تواند در بهبود مناسبات تعلیمی و تربیتی نقش ایفا کند و بر همین اساس می‌توان سطح اثرگذاری تربیت و فرهنگ سازی مطلوب را در خانواده و جامعه تعمیق بخشید. با این حال بسیاری از دست اندرکاران تعلیم و تربیت از این مهارت‌ها به شکل نظام یافته و دقیق بهره مند نیستند و غالباً به گفتارهای محض اکتفا می‌شود و حرکات بدنی متناسب با انواع گفتار به کار گرفته نمی‌شود و در موارد متعدد حرکات بدن با پیام‌های لفظی هم خوانی ندارد و یا تعارض دارد و این موارد سبب ناکارآمدی تعلیم و تربیت و اختلال در انتقال مطلوب پیام‌ها می‌شود.

۲. سیره انبیاء و اولیاء به ویژه سبک زندگی اهل بیت (ع) و پیامبر اکرم (ص) سرشار از پیام‌های تعلیمی و تربیتی سازنده‌ای است که غالباً آکنده از اشارات و بیانات غیر کلامی به دیگران انتقال یافته و در تاریخ ماندگار گشته است. این سرمایه عظیم که با یافته‌های جدید روانشناختی در زمینه زبان بدن هماهنگی کامل دارد، در زندگی امروزین نه تنها قابل احیا و استمرار بوده بلکه از نیازها و ضرورت‌های تعلیم و تربیت در قالب ارتباط مؤثر و موفق است و می‌باید بیش از پیش مورد بازشناسی دقیق و اهتمام استادان و مربیان و مبلغان و عالمان قرار گیرد.

۳. تعلیم و تربیت سنتی گذشته بر خلاف سیره اهل بیت و آموزه‌های جدید روانشناختی، تکیه عمده بر مهارت‌های گفتاری و نادیده گرفتن قدرت تاثیرگذاری زبان خاموش و قدرتمند ارتباطات غیر کلامی است و از این منظر، بازنگری در شیوه‌های تعلیمی و تربیتی یک ضرورت است.

۴. بازتاب عینی و حسی ارتباطات تربیتی غیر کلامی تاثیر همه جانبه‌ای در بازسازی شخصیت افراد مطابق الگوهای متعالی اخلاقی دارد و شناخت تجارب عملی فرهیختگان و نشانه‌ها و مهارت‌های زبان بدن، می‌تواند عامل تحول نظام‌های تعلیمی و تربیتی موجود باشد. به شکلی که با کمترین رفتارهای تاثیر گذار تربیتی بزرگترین نتایج تغییر رفتاری را بر دیگران می‌توان دید.

۵. کارکردهای زبان بدن به عنوان همراه و مکملی برای فرهنگ گفتاری و مکتوب می‌تواند در رسالت تعلیمی و تربیتی خود، توفیق فراوان حاصل کند.

۶. از لوازم به کارگیری مطلوب حرکات بدن در تعلیم و تربیت، کاهش اتکا به شیوه‌های سخنوری، به ویژه از راه دور و از طریق رسانه‌های سمعی و بصری و روی آوردن به ارتباط مستقیم با مخاطبان در فضای واقعی و طبیعی زندگی به عنوان کلاس درس و انتقال پیام‌های تعلیم و تربیت در مجرای تعامل‌های موجود در متن زندگی است و البته رسانه‌ها می‌توانند به جای استودیو یا فضای مصنوعی سخنرانان، فرایندهای طبیعی تعلیم و تربیت را از متن زندگی و تعامل‌های واقعی دریافت نموده و انعکاس دهند.

و دستورهای دین تاکید بر نظافت، زیبایی و آراستگی ظاهر است؛ برای نمونه نقل است که « پیامبر (ص) مردی را با پوهایی ژولیده و جامه‌ای چرکین و سر و وضعی نامرتب مشاهده کردند، فرمودند: استفاده از نعمت‌های خدا و آشکار ساختن نعمت، بخشی از دین است» (۱۶).

این تاکیدات از آن روست که اثرگذاری منفی روانشناختی آشفتگی ظاهر و زندگی شکل و شمایل شخص و ریخت ناهنجار لباس‌های وی زمینه ارتباط دیگران با وی را قطع می‌کند و حتی اگر او شخص بسیار فرهیخته و وارسته‌ای باشد، مردم در اولین واکنش، به وی احساسی منفی پیدا می‌کنند و از وی دوری می‌گزینند و با عدم برقراری ارتباط مؤثر، تلاش‌های ارزشمند آموزشی و تربیتی چنین کسانی نیز به کلی بی‌اثر خواهد شد.

۱۱. رنگ‌ها

یکی از نمادهای موثر در ارتباط‌های غیر کلامی، «رنگ»ها هستند. انسان‌ها با انتخاب نوع رنگ لباس یا اتاق کار و دیگر وسایل، در پی رساندن پیام‌هایی به دیگران هستند، زیرا رنگ‌ها، زبان دارند؛ مثلاً رنگ قرمز، نشان دهنده عشق، احساسات، گرمی، زنده‌دلی است، اما گاهی احساسات منفی مثل خشم و عصبانیت را هم بازتاب می‌دهد. یا آبی، رنگی است که آرام بخش و موثر در پاره‌ای از دردهای عصبی است. یا رنگ سبز، امیدوار کننده و افزایش‌دهنده تحمل است. همچنین خواص دیگری برای رنگ‌ها برشمرده اندرک: ماکس لوشر، روان‌شناسی رنگ‌ها، ترجمه ویدا ابی زاده.

هر نوع رنگی در لباس، تاثیراتی در خود شخص و بینندگان او ایجاد می‌کند و این خود می‌تواند از منظری دیگر نشان دهنده نوع شخصیت و روحیه صاحب آن باشد؛ همین طور نوع لباس نیز میتواند بیانگر نوع افکار و عقاید وی باشد.

خداوند متعال در معرفی نعمت‌های خود، آن‌ها را با اختلاف در رنگ معرفی می‌کند: «... تَمَرَاتٌ مُّخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا» (فاطر، ۲۶).

در قرآن کریم از تاثیر برخی رنگ‌ها در رساندن پیام‌ها و ایجاد شادابی در روح انسان، سخن گفته است: « ماده گاوی است زرد یک دست که رنگ آن بینندگان را شاد می‌کند » (بقره، ۶۹).

یا گاهی در وصف بهشت از رنگ «سبز» نام برده شده که تداعی کننده این معناست که روان انسان با رنگ سبز آرامش می‌یابد: « بر اندام آنان (بهشتیان) لباس‌هایی از حریر نازک سبز و از دلبای گران قیمت یا ضخیم است ». (انسان، ۲۱) استادان و دست اندرکاران تعلیم و تربیت نیز می‌توانند با انتخاب نوع رنگ در نوع پوشش، فضای کلاس، کتابخانه، منابع درسی و دیگر ابزارهای آموزشی، به طور موثری در خصوص انتقال پیام‌ها تاثیرگذار باشند. هر نوع رنگی در لباس، اثراتی در خود شخص و بینندگان او ایجاد می‌کند و این خود می‌تواند از منظری دیگر نشان دهنده نوع شخصیت و روحیه صاحب آن باشد؛ همین طور نوع لباس نیز می‌تواند بیانگر نوع افکار و عقاید وی باشد.

References

1. Muzaffar, Mohammad Reza, Al-Manteq, Dar Al-Ta'rif for Publications, Beirut, 1427 AH.
2. Ekman, Paul, The Lie of All Evils, Brilliant Future Publishing, Qom, 2014.
3. Ibn Shu'bah al-Harrani (Hasan ibn Ali ibn al-Husayn), The Gift of the Minds to the Prophet, Islamic Publishing Foundation, Qom, 1363.
4. Free agent, Muhammad ibn Hassan, Shiite means, Al-Bayt Institute, Qom 1427 AH.
5. Barn, Robert et al., Social Psychology, translated by Karimi, Yousef, Arasbaran Publishing, Tehran, 2016.
6. Moshiri, Mahshid, Ghiyasi Persian Alphabetic Dictionary, Soroush, Tehran, 1992.
7. Ragheb Isfahani Hussein Ibn Muhammad, Al-Mufradat Fi Gharib Al-Quran, Dar Al-Alam Al-Dar Al-Shamiya, Damascus Beirut, 1412 AH.
8. Anvari, Hassan, Farhang Bozorg Sokhan, Sokhan Publications, Tehran, 2002.
9. Azhari Heravi, Muhammad ibn Ahmad, The Civilization of Language, Dar Al-Ihya' Al-Tarath Al-Arabi, 2001.
10. Reyshahri, Mohammad Mohammadi, Encyclopedia of Quran and Hadith, Volume 6, Dar al-Hadith, Qom, 2011.
11. Samyani, Haidar, Encyclopedia on the Shadows of the Martyrs of Taf, Volume 2, The Scientific Garden in the Sect of Thought and Culture. Karbala, 1434 AH.
12. Najafi, Hadi, Encyclopedia of Hadiths of the People of the House, Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi, Beirut, 1423 AH.
13. Hojjati, Seyed Mohammad Baqer, Teaching etiquette in Islam, Publications of Islamic Culture Publishing House, Tehran, 2015.
14. Tabatabai, Seyed Mohammad Hussein, Al-Mizan Fi Tafsir Al-Quran, vol. 13, translated by Mohammad Baqir Mousavi, Islamic Publications, Qom, 1989.
15. Ibn Manzoor, Muhammad ibn Makram, Arabic Language, Dar al-Ma'arif, Cairo, 2017.
16. Klini, Mohammad Ibn Ya'qub, Sufficient Principles, Islamic Library, Tehran, 1986.
17. Rumi, Jalaluddin Mohammad Balkhi, Masnavi, Mohammad Publishing, Tehran, 1992.
18. Dehkhoda, Ali Akbar, Dictionary, Volume 12, University of Tehran Press, Tehran, 1998.
19. Massoud, Gibran, Al-Raid, Dar al-Alam for the Malays, Beirut, 1992.
20. Majlisi, Mohammad Baqir, Baharalanwar, Al-Wafa Institute, Beirut 1404 AH.
21. Ghorashi, Ali Akbar, Quran Dictionary, Islamic Library, Tehran, 2012.
22. Ravandi, Qutbuddin, Saeed Ibn Heba Allah, Stories of the Prophets, Astan Quds Razavi, Mashhad, 1409 AH.
23. Rabbit, Abu Sa'd Abd al-Mulk ibn Muhammad ibn Ibrahim Neyshabouri, Sharaf al-Mustafa, Dar al-Bashir al-Islamiyyah, Makkah, first edition: 1424 AH.
24. Tabari, Muhammad ibn Jarir, History of Tabari, vol. 2, Scientific Institute, Beirut.
25. Muhaddith Nouri, Mirza Hussein, Mustadrak al-Wasa'il, Al-Bayt Institute, 1408 AH.
26. Ibn Abi Al-Hadid, Abdul Hamid, Sharh Nahj al-Balaghah, Revival of Arab Heritage, Beirut 1412 AH.
27. Salari Far et al. ; Social Psychology with an Attitude to Islamic Sources, Tehran, 2003.
28. Amadi (Tamimi Amadi), Abd al-Wahid bin Muhammad, Gharr al-Hakam and Dar al-Hakam, Dar al-Kitab al-Islamiyya, Qom, 1410 AH.
29. Tabarsi, Hassan Ibn Fadl, Makarem Al-Akhlaq, Sharif Razi Publications, Qom, 1995.
30. Siraj, Zahra Walid Arabi, Arefa, "The importance of the effect of fragrance on human health", Nasha Alam Magazine, No. 1, 2017.
31. Tarihi, Fakhreddin, Al-Muntakhab, Scientific Institute, Beirut.
32. Judge Nu'man al-Maghribi, Ibn Muhammad, Dua'im al-Islam, vol. 2, Dar al-Ma'arif, Cairo, 1963.
33. Moein, Mohammad, Moein Culture, Zarrin Publications, Tehran, 2007.
34. Hamzeh Lou, Zohreh, A Study of Teacher Coverage in School through the Perspective of Female First and Secondary School Students, Journal of New Advances in Psychology, Educational Sciences and Education, October 2016.